

تحلیلی در زمینه‌ی پیشینه و عملکرد سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی

◆ سید احمد خاتون آبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان

چکیده

مورد توجه قرار گرفته است، بر گسترش سازمان های غیردولتی جهت حمایت از محیط زیست تاکید دارد، همچنین در کشورهایی مانند زلاندنو و استرالیا از «الگوی اقدام یا عمل مشارکتی» یا (Participatory Action Model, PAM) استفاده قابل توجهی به عمل آمده است. در این روش دولت از طریق کمک به سازمان های محلی و منطقه ای، مردم را در زمینه تشکیل گروه های خودیاری (Self-help groups) تشویق کرده و با تدوین سیاست های قابل اجرا این گروه ها را تقویت می کند. در این نوشتار، به بررسی زمینه های پیدایش سازمان های غیردولتی زیست محیطی پرداخته شده و برخی از تجارب کشور استرالیا در ایجاد گروه های حفاظت از زمین (Land Care Groups) و نیز تجربه سازمان های غیردولتی ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته روش اسنادی و نیز میدانی به (شیوه کیفی) است.

کلمات کلیدی:

سازمان های غیردولتی، محیط زیست، گروه، مردمی، مشارکت مدیریت مقدمه

در دهه های پایانی قرن بیستم، روش های جلب مشارکت مردم در برنامه ریزی و مدیریت منابع طبیعی و مدیریت محیط زیست، تحت دگرگونی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دستخوش تغییرات عمده ای شده است. روند دهه های گذشته در کشورهای پیشرفته صنعتی بیانگر این واقعیت است که کارگزاران دولتی، کارشناسان و نیز مدیران عرصه های محیط زیست و منابع طبیعی به رهیافتی تازه روی آورده اند. در سال های بعد از جنگ جهانی دوم مدیریت زیست محیطی بر محوریت دیدگاه کارشناسان براساس برنامه ریزی متمرکز و به شکل یک سویه اعمال می گردید. پیامدهای این روش عبارت بودند از: عدم به کارگیری دانش بومی و تجربه ی مردم در مناطق تحت پوشش، فقدان اصل مشارکت مردم در مراحل تصمیم گیری، سیاست گذاری، اجرا و ارزشیابی مستمر برنامه ها، عدم تناسب محتوای طرح ها با اهداف توسعه پایدار، ناهماهنگی بین بخشی در سطوح برنامه ریزی های کلان و منطقه ای و تضاد بین هدف های حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست از یکسو و اقدامات مربوط به سیاست های توسعه اقتصادی از سوی دیگر. رهیافت جدید که در سه دهه گذشته



مقدمه:

نظریه پردازان توسعه از دهه ۱۹۷۰ میلادی و در جریان شکست برنامه‌های توسعه برون‌زا^۱ که هدف آن نسخه‌پیچی برنامه‌های توسعه و تحمیل آن به جوامع و ملل عقب‌نگاه داشته شده یا در حال توسعه بود، به نتایج هشدار دهنده‌ای پی بردند. دستاوردهای فعالیت‌های توسعه‌ای در دوران پس از جنگ جهانی تکان‌دهنده بودند. فروپاشی ساختار معیشتی اجتماعات بومی در کشورهای جهان سوم، از خودبیگانگی فرهنگی، بحران هویت، برهم خوردن ساختار اقتصاد بومی و وابستگی مواد اولیه خوراکی به کشورهای خارجی، غول پیکر شدن شهرها و خالی از سکنه شدن روستاها، تخریب و ویرانی جبران‌ناپذیر محیط زیست و شدت گرفتن روند بیابانی شدن زمین‌های جهان، برنامه‌های توسعه‌ای که به منزله‌ی نسخه‌هایی از پیش تعیین شده و با مساعدت بانک جهانی توسعه و بازسازی (IBRD) و صندوق بین‌المللی پول (I.M.F) بر ملل محروم جهان تحمیل گردید عمدتاً در جهت تقویت توان مالی کشورهای صنعتی

عضو بانک جهانی و دهنده وام) بوده و فقر روزافزون را برای جهان سوم به ارمغان آورده است. کسانی که پیامدهای هشدار دهنده‌ی برنامه‌های توسعه‌ای را نظاره‌گر بودند، از سالهای آخر دهه ۱۹۶۰ به چاره‌جویی و یافتن شیوه‌های نوینی برای توسعه اندیشیدند. در میان راه‌حل‌هایی که فراروی برنامه‌ریزان قرار گرفت، طراحی الگوی توسعه درون‌زا^۲ با بهره‌جویی از گروه‌های محلی بود.

بدین ترتیب، برنامه‌های توسعه‌ای در درون جامعه‌ها براساس نیازها و هنجارهای^۲ ملی و منطقه‌ای شکل گرفت و به وسیله سازمان‌ها، تشکل‌های بومی و مؤسسه‌های خیریه، تحقق یافت. از آنجائیکه این سازمان‌ها در فرآیند رشد و تکوین اجتماعات بشری بوجود آمده و به طور غیررسمی در حل و فصل مشکلات مردمی نقش مؤثر و پویا برعهده داشته‌اند، کارگزاران و برنامه‌ریزان توسعه، این سازمان‌ها را مبنائی برای شکل‌گیری و اجرای فرآیندهای توسعه درون‌زا مورد توجه و تاکید خویش قرار دادند و آن‌ها را سازمان‌های غیردولتی (NGOs)^۱ نامیدند.

بدیهی است که خصوصیات فوق‌الذکر هر کدام در شکل‌گیری گروه‌های انسانی پویا و هدفمند اثری ماندگار دارند. سازمان‌های غیردولتی با برحذر بودن از فعالیت‌های دور از واقعیت و بوروکراتیک (دیوانسالاری)، در مواجهه با پدیده‌های پیچیده زیست‌محیطی، توانی خارق‌العاده یافته و نیازمند پشتیبانی وسیع و همه‌جانبه آحاد انسانی و سازمان‌های اقتصادی - اجتماعی دیگر هستند.

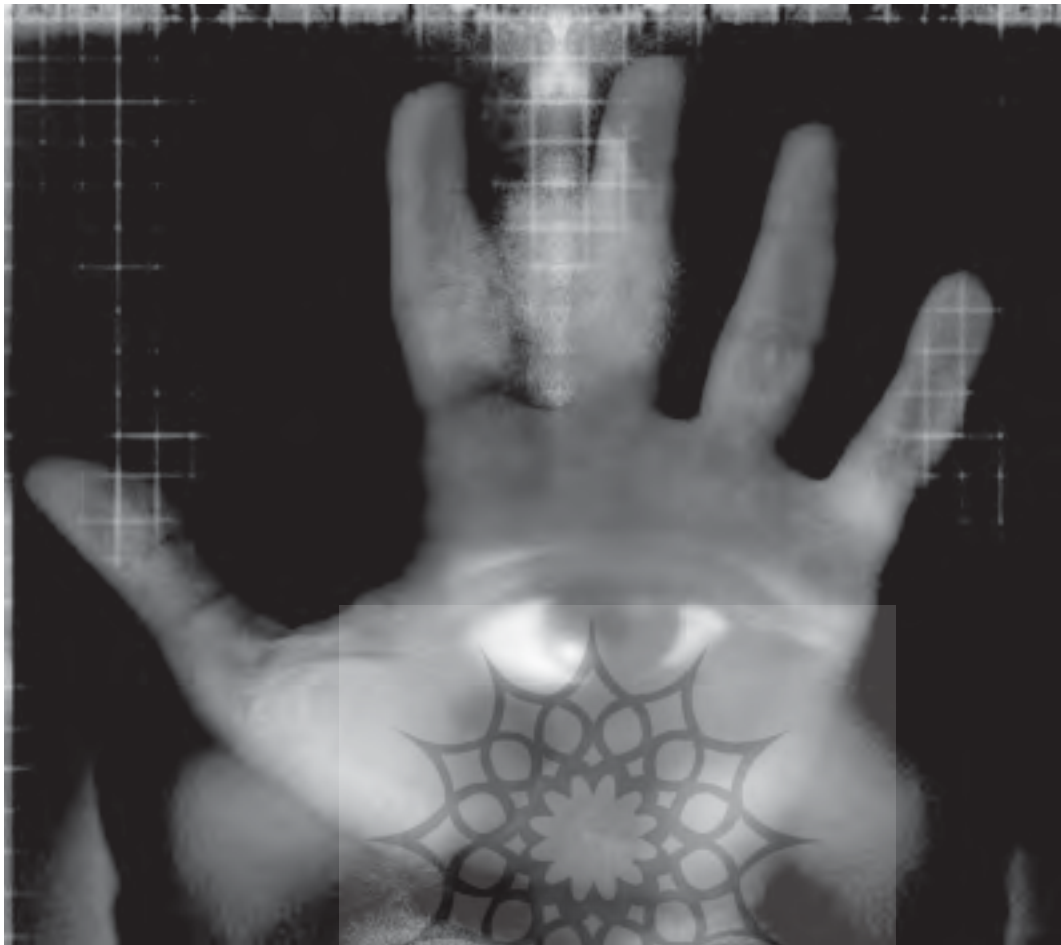
زمینه پیدایش سازمان‌های غیر دولتی

فرآیند تشکیل سازمان‌های غیردولتی و فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، عمدتاً به دهه‌های دوم و سوم پس از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود. در نیمه دوم قرن گذشته، به ویژه در دهه ۱۹۵۰ میلادی، در اوج تدوین برنامه‌های توسعه‌ای، قدرت‌های جدید جهانی مانند آمریکا، در جهت جذب بازار نوین بودند. قدرت اقتصادی متفکرین اروپایی در هم شکسته بود و بخش اعظمی از ممالک جهان که بطور کلی در اختیار انگلستان بود و سایر مستعمراتی که در اختیار فرانسه و سایر کشورهای اروپایی قرار داشت، پشتیبانی لجستیکی کشورهای در حال جنگ را به ویژه، در خصوص بهره‌برداری از منابع طبیعی و تولید مواد غذایی برعهده داشتند. در دوران جنگ، چه در خطوط مقدم جبهه و چه در

در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، تعداد بی‌شماری از این سازمان‌های بومی و محلی شناسایی شده و با مشارکت آحاد انسانی که در عضویت آن‌ها بودند، برنامه‌های توسعه‌ای یکی پس از دیگری با موفقیت به اجرا درآمدند. از میان این سازمان‌ها، باید از جمعیت‌های مشکلی نام برد که برای نجات محیط زیست از فروپاشی و ویرانی بپا خاستند. این‌ها گروه‌هایی بودند که صرفاً به دلیل احساس خطر و پیش‌بینی آینده‌ای ناگوار، برای جامعه انسانی و محیط زیست، ابتدا به اقداماتی پراکنده و سپس متشکل دست زده و بتدریج وجهه‌ای ملی و مردمی به خود گرفتند، بطوریکه، آندسته از سازمان‌های دولتی که در راستای رهاسازی محیط زیست از فروپاشی، در حال چاره‌اندیشی بودند، به این سازمان‌های مردمی متوسل شدند. مزیت‌ها و ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی، راندمان و اثر بخشی عملیات اجرایی آن‌ها را به شدت بالا برده است، ریشه در اصل زير دارد:

- (۱) «رهبری» در کنار «مدیریت»
- (۲) تقسیم و واگذاری مسئولیت‌ها براساس علاقمندی و مهارت افراد،
- (۳) توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی
- (۴) داوطلبانه بودن خدمات
- (۵) جلب مشارکت عمومی.





مناطق پشتیبانی، محیط زیست در معرض تخریب قرار گرفته بود.

پس از جنگ جهانی دوم، کشور آمریکا، به عنوان قدرت جدید وارد عرصه بدون رقابت اقتصادی می‌گردد و با توجه به اینکه در آن برهه زمانی، جامعه نسبت به جنگ دارای حساسیت منفی بود و گرایش بازار عمدتاً به سمت کالاهایی تمایل داشت که بتواند ویرانی‌ها و کاستی‌های ناشی از جنگ را ترمیم نماید، تقاضای روزافزون ملت‌ها برای توسعه اقتصادی با مانع بزرگ فقدان منابع مالی روبرو بود. لذا، بانک ملی جهانی توسعه و بازسازی (IBRD) و صندوق بین‌المللی پول، برای تامین منابع مالی لازم، تاسیس شد. این سازمان‌ها با گشایش اعتبار، بخش اعظمی از بازار دنیا را که در آن موقع عمدتاً در روستاها بود، تسخیر کردند.

بنابراین، جامعه روستایی، که در آن زمان، بین ۶۵ تا ۸۰ درصد جمعیت غالب کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین را تشکیل می‌داد، مخاطب و هدف فرآورده‌های صنعتی و بازار جدید بود، برای دریافت وام، نیاز به تدوین پروژه‌های توسعه‌ای طراحی بود و از این جایگاه، واژه «برنامه‌های توسعه بسته‌بندی شده» وارد ادبیات توسعه گردید. از سال ۱۹۵۰ میلادی، آمریکا بسته‌های توسعه‌ای خود را به ویژه، از کانال مؤسسات تابعه مثل بانک جهانی به کشورهای فقیر دنیا ارائه کرد و پروژه‌های سدسازی تا پروژه‌های آموزشی و ترویجی، عمران روستایی و نیز پروژه‌های توسعه شهری در دستور کار بانک قرار گرفت. لیکن به خاطر شکست اکثر این پروژه‌ها در دهه ۱۹۷۰ میلادی، فزاینده‌ای جدیدی در تاریخ توسعه بعد از جنگ جهانی دوم بوجود آمد.



نمودار (۱) - نقش‌های ممکن برای گروه‌های مشارکتی براساس مطالعه ملی بخش کمیته‌های مشاور حفاظت خاک (Chamala and Mortis, ۱۹۸۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی پژوهشی علوم انسانی

فعال‌سازی گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی. باید این نکته را مورد توجه قرار داد که، بحث سپردن کار مردم به مردم توسط سازمان‌های غیردولتی با خصوصی‌سازی متفاوت است. فعالیت بخش خصوصی مبتنی بر اصل رقابت فردی است، در حالیکه ماهیت سازمان‌های غیردولتی، همکاری گروهی است. به دلیل شکست و نواقصی که برنامه‌های بسته‌بندی شده توسعه‌ای با آن مواجه بوده‌اند، احیاء سازمان‌های مردمی سنتی و ایجاد زمینه تاسیس و رشد سازمان‌های

توسعه‌ای ندارند تحمیل می‌گردد. «چمبرز» به ارائه شیوه‌ای می‌پردازد که به وسیله آن مشارکت مردم محلی و دیدگاه‌های آنان در طراحی تکنولوژی مدنظر قرار گیرد. نهایتاً بحثی که مطرح شد آن بود که، پروژه‌ها ابتدا بومی شوند و بعد اجرا گردند. دقیقاً از این راهکار است که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی و بویژه دهه ۱۹۹۰ به مرور می‌بینیم که در کنار انقلاب سوم یا انقلاب اطلاعات، بحث دیگری مطرح می‌شود به نام بحث توسعه اجتماعی با تاکید بر مشارکت مردمی از طریق

«پائولوفیر» معلم انسان‌گرا از برزیل، «جولیوس نایر» از تانزانیا، «ابندیریا گاندی» از هندوستان و افراد دیگری از کشورهای دیگر مانند «رابرت چمبرز» از انگلستان به برنامه‌های یک بعدی و یک سو نگرانه توسعه اعتراض کردند. چمبرز، دیدگاه دانش بومی را مطرح می‌کند و اینکه چرا برنامه‌های توسعه بسته‌بندی شده را بدون در نظر گرفتن ملاحظات بومی و محلی به کشورهایی که زمینه‌های ساختاری زیست محیطی، اکولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی برای پذیرش بسته‌بندی‌های

یادآوری شود که شالوده و هسته اصلی هر نوع فعالیت گروهی روحیه یا باور انسان دوستی است.

تحلیلی از وضعیت سازمان مردمی زیست محیطی در ایران

در همایش ملی سازمان های غیردولتی زیست محیطی که در بهار ۱۳۸۲ در شیراز برگزار گردید، بیش از پانصد تشکل ثبت نام کردند. در حالیکه در یکی از پژوهش ها تعداد این تشکل ها در سال ۱۳۷۸ بیش از ۱۰۰ گروه اعلام شده است (امینی (۱۳۷۸)). بنابر پژوهش فوق، قدیمی ترین تشکل غیردولتی زیست محیطی در ایران، گروه مردمی «زنان اشکذر» در استان یزد بود که از اواخر دهه ۱۳۴۰ فعالیت خود را به منظور مقابله با هجوم شنهای روان با همکاری دولت وقت آغاز کرد. همچنین تشکل غیردولتی دیگری به نام «انجمن حمایت از حیوانات» در اواسط دهه ۱۳۵۰ تشکیل گردید. از سال ۱۳۷۲ روند شکل گیری گروه های مردمی زیست محیطی به نحوه چشمگیری رونق یافته است. همچنین اعضای این گروه ها عمدتاً از قشر متوسط



نمودار (۲) - چرخه برنامه ریزی و عمل (Chamala, ۱۹۹۰)

غیردولتی در دستور کار طرفداران محیط زیست قرار گرفته است. سازمان های اجتماعی غیردولتی همواره در شکل هیئت ها، انجمن های خیریه، گروه های فامیلی، مناسبات قبیله ای و قومی که حل کننده مشکلات اقتصادی و یا اختلافات حقوقی مردم در شکل مردمی بوده اند وجود داشته است و در اینجا جایگاه رهبری محلی و ریش سفیدی امری کتمان ناپذیر است. در حال حاضر، دورانی است که همه پدیده های اجتماعی در جهت قانونمندی حرکت می کنند و در این صورت فعالیت های غیررسمی که توسط مردم انجام می گرفته شکل علمی و نهادینه پیدا می کند. این امر حاصل جمع بندی علمی از شکست برنامه های توسعه ای بعد از جنگ دوم جهانی است. در اینجا باید



نمودار (۳) - وظایف مدیریت گروه‌ها

جامعه و از میان افراد تحصیلکرده و دانشجویی بوده و ضمن انگیزه‌های اجتماعی، مذهبی و ملی، از جنبش‌های زیست محیطی مشابه در خارج از کشور تأثیراتی پذیرفته‌اند. از جنبه زیرساخت فکری، اکثر این سازمان‌ها فاقد فلسفه و ایدئولوژی خاص و تدوین شده‌ای در زمینه محیط زیست بوده‌اند حال آنکه جنبش‌های مشابه در خارج، براساس اندیشه‌هایی مانند زیست بوم گرایی، اخلاق زیستی، اکوفمینیسم و یا نظریه انتقادی شکل گرفته‌اند. گروه‌های مردمی زیست محیطی خارج از کشور نیز از جایگاه سیاسی تعریف شده و قانونمندی برخوردارند لیکن گروه‌های زیست محیطی ایران از چنین جایگاهی برخوردار نمی‌باشند. محور عمده فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی ایران ترویج و آموزش است، حال آنکه سازمان‌های مشابه در کشورهای توسعه یافته به اجرای پروژه‌های عملی و یا اقامه‌ی دعاوی حقوقی با هدف حفظ محیط زیست نیز می‌پردازند. در عین حال، از سال ۱۳۷۹ برنامه توسعه سازمان ملل متحد در ایران (UNDP) با ارائه برنامه کمک‌های کوچک (SGP) که مربوط به تسهیلات جهانی زیست محیطی (GEF) است طرح‌های مرتبط با حفاظت محیط زیست را که از سوی سازمان‌های غیردولتی ارائه می‌شود به ویژه در منطقه زاگرس و مناطق شمالی و جنوب کشور مورد حمایت قرار می‌دهد. براساس مصاحبه با تعدادی از سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در سطح کشور و نیز بررسی روند شکل‌گیری این سازمان‌ها در چند سال اخیر، می‌توان گرایش به دریافت کمک‌های دولتی، عدول از اصول غیرانتفاعی بودن، تمایل به حذف سازمان‌های رقیب، عدم اطلاع‌رسانی صحیح و تمایل به فعالیت‌های اقتصادی را به عنوان آسیب‌های جدید نظاره‌گر بود. همچنین، تعدادی از سازمان‌ها در جهت تکروی و تقابل با سازمان‌های دولتی گام برمی‌دارند. به طور کلی، بررسی‌های کیفی میدانی نشان‌گر آن است که این

سازمان ها با عدم اعتقاد به فلسفه‌ای مستحکم و برانگیزاننده، ناکافی بودن آگاهی علمی و تخصصی، عدم انسجام تشکیلاتی، عدول از اصل داوطلبانه بودن، فقدان برنامه آموزشی مستمر برای اعضاء و نا مشخص بودن هدف‌ها و نیز عدم تعیین نقش معین برای اعضاء مواجه می‌باشند. برخی از این تشکل‌ها نیز به تعداد اندک اعضای هیئت مدیره بسنده کرده و در جلب توجه گروه‌هایی از مردم موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. به عبارت دیگر فقدان، آگاهی علمی از مدیریت فرآیندهایی گروهی، موجب ایجاد سینرژی منفی و گسستگی اعضا شده است. استمرار نیاختن فعالیت اولین شبکه ملی سازمان‌های غیردولتی در ایران که از سال ۱۳۷۸ شکل گرفت را می‌توان معلول عوامل فوق و فقدان تجربه لازم در اینگونه فعالیت‌های جمعی دانست. در ادامه مطلب به ضرورت‌های قابل بحث جهت افزایش بهره‌وری سازمان‌های غیردولتی ایران اشاره می‌شود:

الف- ویژگی ساختار روانی تشکل

اولین ویژگی لازم برای اعضای سازمان‌های غیردولتی به ساختار روانی انسان مربوط می‌شود. هر یک از انسان‌ها از سه الگوی ذهنی و روانی متفاوت برخوردار می‌باشند:

۱- الگوی فرد گرایی

۲- الگوی رقابتی

۳- الگوی تعاون و همکاری

انسان‌ها به عنوان اعضای جامعه مدنی باید این سه الگو را در نظر داشته و مشاهده نمایند که کدامیک از آن‌ها بر ما غالب است و کدامیک غالب نیست و چه نیازی را برای توفیق در همکاری گروهی از لحاظ ساختار روانی باید در خود ارضا نمود. بدیهی است که لازمه اصلی فعالیت‌های گروهی تقویت حس تعاون و همکاری در افراد یک گروه است و فقدان این اصل در اکثر سازمان‌ها و گروه‌های تازه تاسیس در کشور موجب شکست آنان شده است.

ب- ویژگی ساختاری یا سازمانی تشکل

ویژگی‌های ساختاری که یک NGO باید داشته باشد عبارت است از: داوطلبانه بودن فعالیت‌ها، جمعی بودن و شفافیت یعنی تمام اعضا می‌توانند دفاتر NGO را بررسی کنند. نکته دیگر اینکه مجموعه عوامل اجرایی در سازمان غیردولتی انتخابی هستند نه انتصابی؛ همچنین یک سازمان غیردولتی به لحاظ مالی نباید وابسته به دولت باشد و باید استقلال مالی داشته باشد و سرانجام ارتباطات انسانی به شکل دوستانه و افقی است و ارتباط عمودی و بالا به پائین مانع شکوفائی استعدادهاى افراد می‌شود. هم اکنون تعدادی از سازمان‌های غیردولتی با تعداد یک یا دو نفر و با الگوی تاسیس شرکت‌ها اقدام به فعالیت کرده‌اند.





ج- آسیب شناسی سازمان های غیردولتی

درخصوص آسیب شناسی تشکل های غیر دولتی مطالب زیادی قابل ذکر می باشد. نکته اول که باید به آن توجه نمود آن است که، NGO نتواند مسائل درونی و بیرونی خودشان را تعریف کند. می توان هر سازمان را به عنوان یک سیستم در نظر گرفت. هر سیستمی یک مخزن، تعدادی ورودی که روی کمیت و کیفیت منابع سیستم تاثیر می گذارند و یک خروجی دارد. ورودی های این سیستم نوع خروجی را تعیین می کنند.

NGO حتماً باید مواظب ورودی های خودش باشد. یکی از این ورودی ها که آسیب تلقی می شود پروژه های دولتی است؛ یعنی اگر تشکل ها مترصد جذب بودجه های دولتی باشند به جای اتحاد با هم در مقابل برنامه های بسته بندی شده دولتی فقط به عنوان دریافت کننده وام یا کمک های بلاعوض تلقی می شوند. از این نظر مشاهده می شود، بعضی تشکل ها که در ایران بخصوص در این دو سه سال اخیر تشکیل شده بیشتر شرکتهایی هستند که بخاطر عدم پرداخت مالیات، خود را سازمان غیردولتی نام گذاری کرده اند و این

آسیب بزرگی است که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی دیگر از آسیب های بیرونی نزاع بین تشکل ها است. همچنین از پارامترهای دیگری که درون یک NGO حائز اهمیت است، الگوی ارتباطی است. اگر الگوی ارتباطی درون یک NGO ساختار مدیریت کلاسیک به شیوه تایلور داشته باشد که مدیریت بالا به پایین و فرماندهی است، شکست می خورد. مورد دیگری که در بحث ارتباط در سازمان غیردولتی باید به آن توجه شود، ارتباط دو سویه است، یعنی همواره بایستی مکانیزم ها و ساز و کارهایی درون NGO بوجود بیاید که

افراد چه در جلسات و چه در موقعیت‌های غیررسمی بتوانند آزادانه با یکدیگر ارتباط داشته باشند. مورد دیگر از آسیب‌ها این است که، بخاطر عدم انسجام درونی نتوان با سازمان‌های دولتی ارتباط برقرار کرد. این حقیقت را باید پذیرفت که: تشکل‌های غیر دولتی ضرورتاً دشمن دولت نیستند و موفقیت آن‌ها در نیل به اهداف پیش‌بینی شده در گروه و ایجاد ارتباط دو سویه با مجموعه سازمان‌ها و نهادهای مختلف اعم از دولتی و غیردولتی خواهد بود.

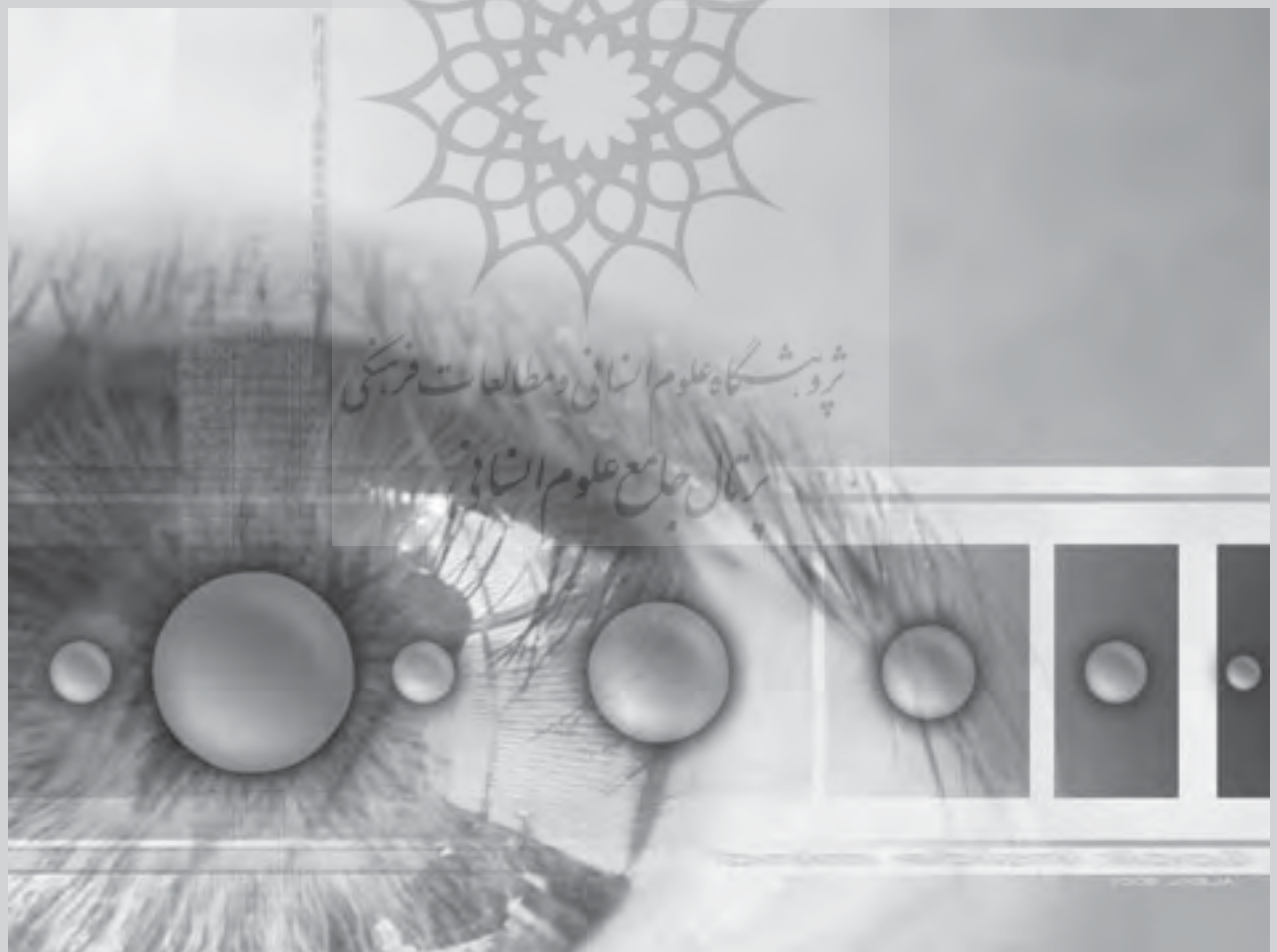
نتیجه‌گیری

در فرآیند تحولات سریع اجتماعی و اکولوژیکی گروه‌ها و سازمان‌های مرتبط با مدیریت منابع طبیعی، باید روش‌های سازگار با این تغییرات را پیش‌رو قرار دهند. مهمترین اولویت در این فرآیند عبارتست از تجدید

ساختار درون سازمانی و نیز روش‌های ارتباط سنتی و متعارف به سوی ایجاد ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی غیر متمرکز و ارتباط‌های افقی و همسطح بین گروه‌هایی که به نحوی در فرآیند حفاظت از منابع مشارکت فعال دارند. در این فرآیند تقویت حس اعتماد، زمینه و پشتوانه اصلی در ایجاد و تشکیل گروه‌های حفاظت از زمین محسوب می‌گردد و نیز رابطه متقابل بین گروه‌های ذینفع را بهبود می‌بخشد (Chapman, ۱۹۹۶). براساس شواهد موجود و به ویژه تحقیقاتی که در زمینه گروه‌های حافظ زمین در ایالت کوئینزلند استرالیا بوسیله پروفیسور چمالا انجام گرفته، از عوامل مؤثر در عدم حس اعتماد می‌توان به تفاوت‌های شناختی و بینشی و نیز تفاوت در منافع و اهداف اشاره نمود. لذا، مهمترین اقدام برای حل تضاد بین گروه‌های مردمی و مؤسسه‌های دولتی

مرتبط با مدیریت منابع طبیعی به منظور ایجاد تفاهم متقابل عبارت از، برگزاری کارگاه‌های مشارکتی و جلسات مناظره با شرکت مردم محلی، بهره‌برداران و مسئولین سازمان‌های وابسته به دولت می‌باشد. در این کارگاه‌ها با استفاده از روش‌های کار گروهی مانند «طوفان مغزها»^۱، بحث گروهی^۲ و همچنین نمایش‌های بدیبه‌سازی^۳ و بازی‌های خلاق^۴ به بررسی و تجزیه و تحلیل مشکلات می‌پردازند (۸).

شرکت‌کنندگان در کارگاه با استفاده و بهره‌جویی از فنون کارگاهی به طرح دیدگاه‌ها و مشکلات خود می‌پردازند و از طریق ایفای نقش^۵ و مشارکت دادن سایر حاضرین در تجزیه و تحلیل موضوعات طرح شده، به دیدگاه مشترک نائل می‌شوند. در فرآیند گروهی عوامل ایجاد تضاد بین گروه‌های ذینفع در مدیریت محیط زیست



پروژه‌های علمی و تحقیقاتی
مركز جامع علوم انسانی



شناسائی شده و آنان با توافق بر ارزش‌های مشترک، به راه‌حل‌هایی دست می‌یابند که هر دو طرف احساس کامیابی و پیروزی نمایند. نتیجه چنین روشی، نزدیک‌سازی هدف‌ها و علایق گروه‌های مردمی با تصمیمات مقامات محلی و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های مبتنی بر اصل برنده/ برنده خواهد بود. از سوی دیگر گروه‌های حفاظت از زمین، در فرآیند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بایستی به شکلی نهادینه درآمده و گروه‌های مردمی با تلاش مستمر در کسب مطالبات قانونی خود، از موفقیت شایان توجهی برخوردار گردند که، شامل موارد ذیل می‌شود.

۱- ایجاد ارتباط دو سویه بین مقامات دولتی و مردم به نحوی که مراکز دولتی در پی درخواست گروه‌های مردمی قانوناً موظف به ارائه اطلاعات دقیق هستند.

۲- گروه‌های حافظ زمین، واسطه جلب مشارکت افشار و وسیع‌تری از جامعه محلی در فرآیند تصمیم‌گیری مسئولان دولتی هستند. این امر از طریق تدوین مقررات و قوانین لازم از سوی گروه‌های محلی و پیگیری برای تصویب شدن آن‌ها در مجلس شورای اسلامی میسر خواهد شد.

۳- کسب قدرت قانونی توسط گروه‌های زیست محیطی در اقامه دعوی حقوقی در خصوص تصمیمات و برنامه‌های مخرب و فاقد توجیه علمی، عدم بکارگیری مردم در تصمیمات تعیین‌کننده و نیز چگونگی اجرای قوانین و سرانجام دسترسی به امکانات لازم برای پیگیری‌های اداری و حقوقی در موارد نقض قوانین زیست محیطی توسط افراد و شخصیت‌های حقیقی و یا حقوقی. بارها مشاهده شده است که رهبران یا اعضای فعال گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی در مرحله طوفان که بروز اختلاف در دیدگاه‌ها امری طبیعی محسوب می‌شود با این ذهنیت که زمینه همکاری وجود ندارد با ترک یا رها کردن گروه، فروپاشی آن را ناخواسته تسریع

مراحل متعددی از مشارکت است و صرفاً به آگاه‌سازی جامعه محدود نمی‌گردد. پله‌های نردبان مشارکت که سازمان‌های مردمی بایستی یکی پس از دیگری بر آن گام نهند عبارتند از:

۱- مشارکت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

می‌کنند. بنابراین آنچه یک گروه را به مرحله نهایی عمل هدایت می‌کند عبارتست از توانمندی لازم در مدیریت تضاد تا رسیدن به اهداف و آرمان‌های مشترک بین رهبر و اعضای گروه. سرانجام بر این نکته باید تاکید کرد که وظایف سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی دربرگیرنده

۲- مشارکت در اجرای برنامه‌ها

۲- از تبلیغ پرسر و صدا که رسانه‌ها شما را به عنوان یک

۳- مشارکت در ارزشیابی و پایش برنامه‌های به اجرا درآمده

قهرمان معرفی کنند پرهیز کنید.

۳- قبل از اینکه با مؤسسه دولتی مرتبط با فعالیت‌های خود مشورت کنید سیاست یا برنامه خود را اعلام نکنید.

سازمان‌های غیردولتی موجود با رعایت حساسیت‌های

۴- این گونه نشان ندهید که احساس می‌کنید مؤسسه‌های دولتی نامعتبر بوده و کارمندان آن افرادی نادان و متکبر هستند.

لازم و شناسایی آسیب‌هایی که سازمان‌های غیردولتی را تهدید می‌کند، با هدف رضایت خداوند متعال و نیز بهبود محیط زیست انسان و سایر موجودات، باید در تقویت

۵- به دنبال ارضای جاه طلبی سیاسی خود نباشید.

سایر گروه‌های حافظ محیط زیست گامی مؤثر بردارند.

۶- به حقایق اجازه دهید در فعالیت‌های شما خودنمایی کنند.

همچنین نیازهای سازمان‌های غیردولتی شامل این موارد می‌گردد:

۱- نیازهای کاری

۷- از برنامه اقدام اجتماعی برای پیشبرد و ترقی جایگاه

۲- نیازهای فردی

خود استفاده کنید بدون اینکه کمک مؤسسات دولتی را

۳- نیازهای حفظ گروه

نادیده گرفته یا آنرا کم اهمیت و معکوس جلوه دهید.

۸- از حمله بی‌منطق به مؤسسات دولتی خودداری کنید.

نیازهای کاری عبارتند از: مجموعه آموزش‌هایی که اعضا جهت انجام وظایف خاص واگذار شده به آن‌ها،

۹- سعی کنید سازمان شما محل امن مخالفین دولت نباشد.

بایستی فرا بگیرند. نیازهای فردی عبارتند از: آن دسته نیازهایی که فرد برای تحقق و شکوفایی استعدادها و

۱۰- از تکیه صرف به قضاوت خود پرهیزید، خود را با نظرات دیگران در مورد موفقیت برنامه همراه کنید.

آرمان‌هایش به آن‌ها نیازمند است. نیازهای مربوط به حفظ گروه شامل نیازهایی می‌باشد که برای همکاری

همچنین سازمان غیردولتی محلی، بایستی با درک روشنی از چارچوب مالی، تاریخی، فلسفی و اهداف خود

جمعی و نیز ایجاد بازده مثبت، بایستی از طریق آموزش

نسبت به هر سازمان دیگر دارای نقش و تعهد مشخص باشد. جایگاه قانونی سازمان محلی باید مشخص باشد و

روش‌های همکاری گروهی به اعضا، مورد توجه قرار گیرد. در سازمان‌های غیردولتی ایران این موارد به

اساس نامه سازمان به مسیر پایدار فعالیت گروه کمک کند. جلسات باید به صورتی اثربخش اداره شوند و افراد

تفکیک مورد توجه قرار نگرفته است.

پیشنهادها

با توجه به مواردی که موجب کاهش ارتباط دو سویه با سازمان‌های دولتی شده و میزان همکاری آنان را کاهش می‌دهد و جهت پرهیز از اختلاف با مؤسسات دولتی و حفظ پایداری گروه، پیشنهاد می‌گردد:

پانویس:

- 1- Endogenous Development
- 2- Norms
- 3- Non - Governmental Organizations
- 4 -Packaged development programs' Small Grant Program
- 5 - Global Environmental Facility

۱- از موضوعات جنجالی که درست مقابل برنامه و سیاست آن‌ها باشد (مثلاً اصرار بر اینکه به تنهایی اقدام کنید آن هم در زمانی که بطور آشکار سیاست دولت درگیر کردن جامعه می‌باشد) پرهیز کنید.

منابع:

- ۱- امینی، فرهاد، بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در دستیابی به مشارکت فردی به منظور حفاظت از محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران (۱۳۷۸).
- ۲- خاتون آبادی، احمد، مشارکت واقعی کدام است. فصلنامه هاتف سبزه‌بار انتظارات جمعیت حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست، پیام سبز، (۱۳۸۲).
- ۳- شومیکر و راجرز، (۱۳۷۱)، رسانش نوآوری، ترجمه عزت... کرمی، دانشگاه شیراز، شماره ۴۰، (۱۳۷۱).
- ۴- گای، درام، (۱۳۷۱)، توسعه مشارکتی: چشم‌اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی ترجمه عصمت قائم مقامی در: روستا و توسعه، چهارم مهر ۱۳۷۱. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. (۱۳۷۱).

5- Chamala, M. Peter Mortis,P.,(1990) Working Together For Land Care,D.P.I: Queensland

6- Chambers, R., (2000), Paradigm Shifts and the Research and Development, Power and Participatory Development: Theory and practice, Nici Nelson (edt)

7- Chapman, M., (1996), Trust and its Relevance to Individual and Groups", No., 10, Lincoln University, UK

8- Khatoonabadi, A., (1994), Systemic Communication and Performance, (Ph.D dissertation), Hawkesbury UWS Sydney

9- Lane, J.,(2000), Non-Governmental Organization and Pargicipatory Development in: Power & Participatory Development: Theory and Practice, Nici Nelson (edt)

10- Lawrence, G., (1990),The Management of Change in Resource use, Landcare: Faculty of Agriculture and Rural Development, Hawkesbury: UWS , Sydney

11- Martin, P., Stewart Lokie (1990), State Initiated L., Organisations Total Catchment Management and Landcare in NSW, Land Care , UWS , Australia

12- Selin, S., Chavez, D., (1995), Developing a Collaborative Model for Environmental Planning and Management, Environmental Management, VO, 19, NO.2

13- Woodhill, J. (1990) Landcare in NSW", Landcare: Faculty of Agriculture and Rural Development, Hawkesbury, UWS